

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: محبت بین انسان ها ۳

تاریخ: ۲۴ شهریور ۱۳۸۷؛ ۱۳ شعبان المعظم ۱۴۲۹

مکان: اصفهان، حوزه علمیه ملا عبدالله

موضوع بحث درباره عوامل ایجاد محبت به دیگران بود که تا کنون به ۹ عامل اشاره نموده ایم.

مروری بر جلسه قبل

از مسائلی که بسیار مورد تأکید دین اسلام واقع شده است مواسات به معنای به یاری رساندن به دیگران است. یاری رساندن گاهی در مصداق، با «انصاف» یکی می شود؛ یعنی انسان برای یاری دیگران، دارایی خود را نصف می کند و نصف دیگر را در اختیار آن ها قرار می دهد و گاهی هم به صورت های دیگری به دیگران کمک می کند. مانند اینکه کسی چند لباس دارد و یکی را به دیگران قرض می دهد.

مواسات از دیدگاه روایات

برای روشن شدن موضوع مواسات به دو روایت اشاره می نمایم:

۱- امام باقر (علیه السلام) و روایت وصافی

عَنِ الْوَصَّافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: « قَالَ لِي: أَرَأَيْتَ مَنْ قَبْلَكُمْ إِذَا كَانَ الرَّجُلُ لَيْسَ عَلَيْهِ رِدَاءٌ وَ عِنْدَ بَعْضِ إِخْوَانِهِ رِدَاءٌ يَطْرُقُهُ عَلَيْهِ قَالَ قُلْتُ: لَا قَالَ فَإِذَا كَانَ لَيْسَ عِنْدَهُ إِزَارٌ يُوَصِّلُ إِلَيْهِ بَعْضُ إِخْوَانِهِ بِفَضْلِ إِزَارِهِ حَتَّى يَجِدَ لَهُ إِزَارًا قَالَ قُلْتُ: لَا قَالَ فَضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى فَخْذِهِ ثُمَّ قَالَ مَا هُوَ لِأَخِي بِأَخْوَةٍ^۱؛ « امام (علیه السلام) به من فرمودند: اگر دیدید مردی رداء ندارد و بعضی از برادرانش رداء دارند، آیا رداء را بر دوش او می اندازید؟ گفتیم: خیر. دوباره فرمودند: اگر آن مرد ازاری نداشته باشد، آیا برادرانش حاضرند یکی از ازارهای اضافی خود را به او بدهند؟ گفتیم: خیر. امام (علیه السلام) دستشان را بر زانوی مبارک زدند و فرمودند: اینها برادران دینی شما نیستند.»

یعنی وقتی کسی برادر دینی محسوب می شود که مواسات داشته باشد و دوستش را یاری کند. در روایت دیگری، امام (علیه السلام) سؤال می کنند آیا شما این گونه هستید که وقتی ضرورتی برای برادر دینی شما پیش آمد از اثاث شما بردارد و استفاده کند؟ گفت: خیر، ما رضایت نداریم، حضرت فرمودند: پس شما مواسات ندارید.

مواسات کننده حقیقی

در جنگ احد وقتی مسلمانان به خاطر حفظ جان خود، در قسمت دوم جنگ فرار کردند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بسیار غضبناک شدند. و از این که در اثر فرار آنها آن ضربه سنگینی به مسلمان ها خورد، فشار روحی شدیدی به وجود نازنینشان وارد شد.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۶.

در این لحظه حساس به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: شما با کسانی که فرار کردند بروید! امیرالمؤمنین (علیه السلام) با تعبیر بسیار زیبایی فرمودند: «لِي بِكَ أُسْوَةٌ» یا رسول الله شما برای من اسوه‌اید. یعنی تا شما ایستاده‌اید من هم می‌ایستم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به حضرت فرمودند: «فَاكْفِنِي هُوْلًا» پس این‌ها را دفع کنید.

تعداد دشمنان در جنگ احد سه هزار نفر بود و مسلمانان حدود نهصد نفر بودند. که بسیاری از آنها فرار کردند و جنگ کردن تعداد اندکی در مقابل چند هزار نفر بسیار مشکل است. در این لحظات حساس امیرالمؤمنین (علیه السلام) به دشمن حمله کردند. امام (علیه السلام) اولین ضربه را که وارد کردند صدای جبرئیل بلند شد، فرمود: «إِنَّ هَذِهِ لَهِيَ الْمُوَاسَاةُ يَا مُحَمَّدٌ» یعنی، ای محمد!

حقیقتاً این مواسات است. در روایت دیگری هم فرمود: «إِنَّ هَذِهِ الْمُوَاسَاةُ لَقَدْ عَجَبَتِ الْمَلَائِكَةَ مِنْ مُوَاسَاةِ هَذَا الْفَتَى»^۲ (مواسات این جوانمرد ملائکه را به تعجب واداشت!)

زیرا مسلمانان و انصاری که اهل مدینه بودند و بیشتر باید از جان پیامبر دفاع می‌کردند و می‌جنگیدند، فرار کردند، و امیرالمؤمنین (علیه السلام) که از مهاجرین بودند این گونه با شجاعت ایستادند و جان خودشان را در راه دفاع اسلام به خطر انداختند.^۳

در روایت دیگری نیز از امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «مَا حُفِظَتِ الْأَخُوَّةُ بِمِثْلِ الْمُوَاسَاةِ»^۴ (هیچ چیزی همچون مساوات، برادری و دوستی بین دو انسان را حفظ نکرده است.)
بنابر این روایت، مواسات از عوامل دیگر بسیار مهم‌تر است.

مثال

۱. فرض کنید مردی نسبت به همسرش مواسات را رعایت می‌کند و او را یاری می‌کند. این یاریگری موجب ایجاد و ازدیاد الفت و محبت در خانواده می‌شود. هرکدام از زن و شوهر اگر فقط به اموری که به آنها واگذار شده، اکتفا نکردند و هرکاری را که توانستند برای یکدیگر انجام دادند، به صفت ارزشمند مواسات دست پیدا کرده‌اند؛ بنابراین مرد نباید بگوید کارهای خانه به عهده من نیست و یا زن نسبت به کارهای مرد نباید با این دیدگاه نگاه کند؛ بلکه هر کدام هرکاری می‌توانستند باید برای همدیگر انجام دهند.

بازگشت به اصل مطلب

۹. قلب سلیم

عامل نهمی که در جلسه گذشته اشاره شد قلب سلیم است.

۲. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱۴، ص ۲۵۱.

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «انْتَهَزَمَ النَّاسُ يَوْمَ أُحُدٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَغَضِبَ غَضَبًا شَدِيدًا قَالَ وَكَانَ إِذَا غَضِبَ انْحَدَرَ عَنْ جَبِينِهِ مِثْلَ الْوَلْوَلُو مِنَ الْعَرَقِ قَالَ فَانظُرْ فَإِذَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى جَنْبِهِ فَقَالَ لَهُ الْحَقُّ بَيْنِي وَأَبِيكَ مَعَ مَنْ انْتَهَزَمَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِي بِكَ أُسْوَةٌ قَالَ فَاكْفِنِي هُوْلًا» فَحَمَلُ فَضْرَبَ أَوَّلَ مَنْ لَقِيَ مِنْهُمْ فَقَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ هَذِهِ لَهِيَ الْمُوَاسَاةُ يَا مُحَمَّدُ فَقَالَ إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ فَقَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا مِنْكُمْ يَا مُحَمَّدُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَنْظُرْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى كُرْسِيِّ مِنْ ذَهَبٍ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يَقُولُ لَا سَيْفٌ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فِتْنَى إِلَّا عَلَيٌّ» اصول کافی، ج ۸، الاسلامیه، ص ۱۱۰.

۴. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۹۰.

قرآن کریم در سوره شعراء آیه ۸۸ و ۸۹ در مورد قلب سلیم می‌فرماید: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد، مگر کسی که دلی سالم به سوی خدا بیاورد)؛ پس اگر کسی با قلب سلیم به پیشگاه خداوند متعال وارد شد، قلب سالم او را حفظ و یاری خواهد کرد.

معانی قلب سلیم

۱- اعتقاد بی شک، عمل بدون ریا و سمعه

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سؤال شد که منظور از قلب سلیم چیست؟ حضرت فرمودند: «اعتقادی بدون شک و بدون هوای نفس، و اعمال صالح بدون سمعه و ریا».^۵

در این حدیث دو دستور آمده است: یکی از نظر فکری و دیگری از نظر عملی؛ یعنی انسانی قلب سلیم دارد که حقیقتاً دیندار باشد و دینداری او از روی هوای نفس نباشد، و اعمالش نیز به خاطر ریا (دیدن مردم) و یا سمعه نباشد.

کلمه «سمعه» از «سمع» گرفته شده و منظور از آن این است که شخص دوست دارد عملی را که انجام داده است به گوش مردم برساند و فرق آن با ریا این است که در ریا شخصی دوست دارد عملش را مردم ببینند و در سمعه دوست دارد از او تعریف کنند.

۲- رهایی از غیر خدا

در روایت دیگری در مورد معنای قلب سلیم امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «انسان خدا را ملاقات کند در حالیکه هیچ غیر خدایی در دلش نباشد».^۶ در واقع «سلیم» را به معنای سالم از غیر خدا تعریف کرده‌اند، یعنی قلب انسان سلیم القلب فقط در محضر خداست.

۳- قلب خالی از حب دنیا

و در جایی دیگر فرمود: «وَعَنِ الصَّادِقِ (علیه‌السلام) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى "إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ" قَالَ هُوَ الْقَلْبُ الَّذِي سَلِمَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا»؛ «قلب سلیم قلبی است که چیزی از حب دنیا در آن نباشد».^۷

۴- قلب مملو از نیت الهی

در روایت دیگر آمده است: قلب سلیم قلبی است که فقط نیت خدایی در آن باشد و تصمیمش فقط برای خدا باشد.^۸

۵- قلب عاری از شبهه و شک

امام (علیه‌السلام) می‌فرمایند: وقتی قلبی از شبهات پاک شد، قلب سلیم می‌شود. یعنی از همه شبهات سالم باشد و اعتقاد او به خداوند و اصول یقین است.

^۵ . عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ: «أَنَّهُ سُئِلَ مَا الْقَلْبُ السَّلِيمُ فَقَالَ دِينَ بِلَا شَكٍّ وَ هَوَى وَ عَمَلٌ بِلَا سُمْعَةٍ وَ رِيَاءٍ» مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، ص ۱۱۳.

^۶ . عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ "إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ" قَالَ: الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ الْحَدِيثِ» اصول کافی، الإسلامية، ج ۲، ص ۱۶؛ بحار الأنوار، بیروت، ج ۶۷، ص ۲۳۹.

^۷ . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۴۰.

^۸ . قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَاحِبُ النَّيَّةِ الصَّادِقَةِ صَاحِبُ الْقَلْبِ السَّلِيمِ لِأَنَّ سَلَامَةَ الْقَلْبِ مِنْ هَوَاجِسِ الْمُحْدُوزَاتِ بِتَخْلِيصِ النَّيَّةِ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا الْحَدِيثُ» مصباح الشريعة، ص ۵۳؛ بحار الأنوار، بیروت، ج ۶۷، ص ۲۱۰.

باور کردن دین و اصول آن مانند نبوت، امامان معصوم (علیهم‌السلام)، قرآن و دیگر مواردی که از اصول و پایه‌های دین است دل انسان را سالم می‌کند. و انسانی هم که به آن‌ها شک دارد بیمار دل است و باید برای معالجه خود بشتابد.^۹

تأثیر قلب سلیم بر جلب محبت دیگران

ارتباط قلب سلیم با ایجاد محبت دیگران را می‌توان این‌گونه بیان کرد که انسانی که قلب سلیم دارد از حیله و نیرنگ به دیگران سالم است، از استخدام دیگران و به کارگیری آنها برای انجام کارهای خود دوری می‌جوید و در رسیدن به منافع خود هیچ حق دیگران را ضایع نمی‌کند.

به عبارت دیگر ریشه تمام مصادیق قلب سلیم در تدبیر و دینداری انسان است و اگر کسی به معنای حقیقی کلمه متدبیر شد تمام آثاری که به عنوان مثال ذکر شد در وجودش ظاهر می‌شود. انسانهای سلیم القلب اشخاصی بسیار دوست داشتنی هستند؛ بنابراین دین، مهمترین و مؤثرترین عامل، برای جلب و تقویت محبت دیگران است. از عواملی که تا به حال ذکر شده، ممکن است برخی از آنها زوده شود، ولی دین تا هنگام قیامت در وجود انسان باقی می‌ماند.

قلب سلیم و توجه به دیگران

یکی از آثاری که قلب سلیم برای انسان به ارمغان می‌آورد این است که آنچه را برای خودش دوست دارد برای دیگران هم دوست بدارد و هرچه را برای خودش نمی‌پسندد برای دیگران هم نپسندد.

مثال‌ها

۱. فرض کنید کسی در صحبت کردن تقید خاصی دارد، و همواره مراقب است محترمانه صحبت کند. چنین شخصی چون دوست دارد دیگران هم با احترام با او هم صحبت شوند خودش این نکته را رعایت می‌کند.
۲. زن و شوهر نیز در زندگی خود هرگاه این گونه مراعات حال یکدیگر را بنمایند و نسبت به دیگری و خانواده او طوری رفتار کنند که دوست دارد او هم، همین طور رفتار کنند، بسیاری از مشکلات زندگی رفع می‌شود.
۳. بعضی افراد نسبت به دید و بازدید دیگران اهمال می‌ورزند، اما از دیگران انتظار دارند به آنها سر بزنند. انسان سلیم‌القلب چون هر چه را برای خود می‌پسندد برای دیگران هم می‌پسندد، این‌گونه نیست و همانطور که دوست دارند اقوام، و آشنایان از آنها دیدن کنند، خودش نیز به دید و بازدید آنها می‌پردازد.

نکته‌ای پیرامون صله رحم

صله رحم، از واجبات دینی است و انسان هیچ مجوزی برای قطع آن ندارد. بنابراین اگر کسی با انسان دیگری قطع رحم کرد، او حق ندارد به این بهانه با او قطع ارتباط کند.

مرحوم والد (رحمة الله علیه) در ماه مبارک رمضان مقید بودند به دیدن نزدیکان بروند و صله رحم کنند.^{۱۰} اگر منزل کسی می‌رفتند که او فرزند یا نوه داشت و در آن خانه و حضور نداشت، از همان جا با تلفن با او تماس می‌گرفتند و احوال‌پرسی می‌کردند.

^۹ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ "إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ" قَالَ: الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ. وَ قَالَ: وَ كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شِرْكٌ أَوْ شَكٌّ فَهُوَ سَاقِطٌ وَ إِنَّمَا أَرَادُوا الرُّهْدَ فِي الدُّنْيَا لِيَتَمَرَّعَ قُلُوبُهُمْ لِلاَحْزَةِ» اصول کافی، الإسلامية، ج ۲، ص ۱۶؛ بحار الأنوار، بیروت، ج ۶۷، ص ۲۳۹.

امیرالمومنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لَا يَسْلَمُ لَكَ قَلْبُكَ حَتَّى تُحِبَّ لِلْمُؤْمِنِينَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ»^{۱۱}؛ «قلب سلیم نداری مگر اینکه آنچه را برای خود دوست می‌داری برای دیگران هم دوست بداری». وجود همین یک عامل در وجود انسان، محبت دیگران را به شدت جلب می‌کند زیرا انسان با این خصوصیت، انسان یک دلی است و دیگران نیز از معاشرت با او لذت می‌برند.

۱۰. مودت

دهمین عامل برای ایجاد و یا تقویت محبت، مودت است.

تفاوت محبت با مودت

میل درونی انسان به دیگری را محبت گویند. این میل درونی گاهی اظهار هم می‌شود و گاهی مخفی می‌ماند. وقتی اظهار شد به آن «مودت» گویند.

در مقابل آن دو، «بغض» به معنای دشمنی و کینه‌ای که در دل انسان قرار دارد و «عداوت» به معنای اظهار دشمنی درونی است.

یکی از اسباب ایجاد محبت، مودت است یعنی انسان علاقه درونی خود را به دیگران به نوعی اظهار کند. اظهار محبت، محبت و میل درونی شخص را تأکید و تقویت می‌کند.

دین اسلام به ویژه در مورد زن و شوهر، دستور به اظهار محبت می‌دهد که این مودت، آثار بسیار مهم و مثبتی را به دنبال دارد. البته شرط تأثیر آن این است که طرفینی باشد و هر دو طرف به یکدیگر اظهار محبت کنند و الا اگر یک طرفه شد ممکن است برای طرف دیگر مفسده‌هایی همچون تکبر را به همراه داشته باشد.

در مواردی هم که بین زوجین اختلاف و نزاع پیش آمده و مهر و محبت بسیار تقلیل یافته است - بطوری که خودشان می‌گویند ما به یکدیگر هیچ علاقه‌ای نداریم - اصلاح نزاع و دعوا به تنهایی کافی نیست و بعد از اصلاح دعوا، زوجین باید علاقه خود را به یکدیگر زیاد کنند که یکی از راه‌های آن مودت است.

شیطان نیز در چنین مواقعی سعی می‌کند با هر ابزار و کیدی که هست از این ابراز علاقه جلوگیری کند و با بهانه‌های واهی و بیهوده مانع آن شود.

به خصوص اگر زوجین قبلاً با هم عداوت داشته و به یکدیگر توهین کرده باشند، شیطان خیلی تلاش می‌کند تا این مودت انجام نگیرد.

اگر زن و شوهر پس از کنار گذاشتن کدورت‌ها، به مدت چند روز هر دو به یکدیگر ابراز علاقه کنند، محبت قبلی که به ظاهر از دست رفته بود باز به زندگی باز می‌گردد.

^{۱۰}. صله‌ی رحم در ماه رمضان نسبت به اوقات دیگر سال از دو امتیاز برخوردار است یکی این که میزبان برای پذیرایی از میهمان به شفقت نمی‌افتد و دوم اینکه اگر انسان مایل نیست از غذای کسی به خاطر حلال و حرام بودن آن مصرف نکند به بهانه‌ی ماه مبارک می‌تواند از خوردن صرف نظر کند.

^{۱۱}. بحارالانوار، بیروت، ج ۷۵، ص ۸.

مودت در روایات

شخصی خدمت امام پنجم و ششم (علیهما السلام) نشستند بود که مردی وارد مسجد شد به حضرت عرض کردم من به این مرد علاقه مندم و او را دوست دارم (علیه السلام) فرمودند: «به او بگو و محبتت را اعلام کن! زیرا اعلام مودت شما را بهتر باقی می‌گذارد و استمرار می‌بخشد».

«مَرَّ رَجُلٌ فِي الْمَسْجِدِ وَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) جَالِسٌ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ لَهُ بَعْضُ جُلَسَائِهِ: وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَحِبُّ هَذَا الرَّجُلَ قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): أَلَا فَأَعْلِمُهُ فَإِنَّهُ أَبْقَى لِلْمَوَدَّةِ وَ خَيْرٌ فِي الْأَلْفَةِ»^{۱۲}

أنس خطرناک

با این همه، آنچه باید مورد دقت قرار گیرد این است که محبت و الفت بین دو نفر به خصوص در جوانها به آنس تبدیل نشود. انسانی که به دوستش آنس می‌ورزد، در مواقعی هم که او را نمی‌بیند، فکرش به او مشغول است و در نماز یا دعا و در جاهای دیگر هم همین‌طور به یاد او است.

در حالی که این خطر بزرگی است؛ چرا که دوستی که باید موجب رسیدن من به خدا می‌شد مانع از آن شده و نمی‌گذارد در نماز به خدا توجه داشته باشم؛ بنابراین باید مراقب محبت‌های افراطی بود و در جایی اظهار علاقه کرد که مفسده‌ای به دنبال نداشته باشد.

مودت خدا به انسان

خداوند متعال نیز گاهی محبت خود نسبت به انسان‌ها را اظهار می‌کند.

قرآن کریم در سوره مریم آیه ۹۶ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»؛ «همانا کسانی که ایمان آورده و عمل‌های شایسته کرده‌اند، به زودی خدای رحمان برای آنها دوستی و محبتی قرار می‌دهد».

پس ایمان و عمل صالح به گونه‌ای است که اگر کسی در ایمان به یقین رسید و عمل صالحش نیز زیاد شد وعده خدای متعال هم محقق می‌شود و «وُدّ» برای او قرار می‌دهد. یعنی محبتی از او در دل‌های مؤمنین، قرار می‌دهد که هم دوستش دارند و هم به او اظهار علاقه می‌کند.

بیان شیرین رهبر معظم انقلاب

در محضر رهبر معظم انقلاب بودیم که ایشان این نکته را فرمودند: «گمان می‌کنید که حضرت امام چه داشتند که این‌گونه محبوب انسان‌ها بودند. و چه عاملی باعث می‌شد جوانها با یک اشاره ایشان به جبهه‌ها هجوم برند و جانشان را هم فدا کنند؟ آیا امام مردم را اطعام کرده بودند یا هدیه‌ای به آن‌ها داده بودند؟! چیزی که در وجود امام بود ایمان و عمل صالح بود» و سپس همین آیه را تلاوت کردند و فرمودند: «انسان اگر ایمان و عمل صالح در وجودش قوی بود مورد محبت دیگران هم واقع می‌شود و اولیاء الهی دوستش دارند و به او اظهار محبت می‌کنند. و در رأس آن‌ها امام زمان (علیه السلام) هم به او اظهار محبت می‌کنند».

اُنس بین زن و شوهر

منظور از اُنسی که گفتیم مذمت شده و برای انسان خطرناک است، حالتی است که فکر انسان را مشغول کند. به طوری که اگر می‌خواهد نماز بخواند، فکرش به کسی مشغول نباشد.

اُنس به همسر نیز اگر به این شکل باشد، اشکال دارد و خداوند اجازه نمی‌دهد. زیرا مثلاً در نماز دستور خدای متعال حضور قلب و توجه به آن است نه توجه به دیگران و شخصی که به کسی اُنس دارد نمی‌تواند در نماز حضور قلب داشته باشد. پس اُنس بسیار خطرناک است و گاهی بیشتر از گناه موجب سقوط انسان است.

علت این که بدتر از گناه است این است که اگر کسی به گناه آلوده شود، آسان‌تر می‌تواند سقوطش را جبران کند و استغفار و توبه نماید. اما سقوط «اُنس» با استغفار جبران نمی‌شود و گاهی معالجه آن چندین سال به طول می‌انجامد.

به هر حال کسانی که می‌دانند چگونه باید خود را درمان کنند نباید در معالجه خود کوتاهی کنند و کسانی هم که نمی‌دانند باید به عالمان دینی رجوع کنند و به دستوراتش عمل نمایند تا بالاخره از این بلای دردناک نجات پیدا کنند. انسانی که باید به امام زمان (علیه السلام) نزدیک شود و شیرینی مناجات با خدا را احساس کند و لذت ببرد، در اثر همین اُنس، سال‌های سال عقب می‌افتد.

۱۱. وفا

یازدهمین عامل ایجاد و یا تقویت محبت وفا است. وفای به عهد بین دو انسان تأثیر فراوانی بر روی محبت‌ها می‌گذارد. مقابل وفا، خیانت است؛ یعنی انسان به قولی که داده است وفا نمی‌کند و عهدی که بسته است را زیر پا می‌گذارد. نتیجه خیانت، بی‌اعتمادی دیگران نسبت به انسان است؛ چرا که دوستان شخص گمان می‌کنند او تکیه‌گاه آنان است و می‌توانند در کارهای‌شان از او کمک بگیرند اما با بی‌وفایی دیدن از دوست، این اعتماد شکسته می‌شود؛ اما وفای به عهد موجب اطمینان و اعتماد دیگران است و وقتی به عهد وفا شد و کاری که بنا بود انجام شود صورت پذیرفت، مردم از آن لذت می‌بردند در نتیجه علاقه ویژه‌ای به شخص پیدا می‌کنند. پس وفای به عهد علت اعتماد، و اعتماد، علت برای علاقه و محبت دیگران است. وفا نیز عامل مهمی برای تقویت روابط زن و شوهر می‌باشد.

از نکات بسیار مهمی که مرحوم والد (رحمة الله علیه) به ما تعلیم دادند این بود که "اگر انسان به چیزی اهمیت داد، آن چیز را فراموش نمی‌کند. بعد از آن نیز یک مسئله فقهی را مطرح می‌نمودند که اگر کسی که می‌دانست لباسش نجس است و فراموش کرد و بعد از نماز متوجه شد، نمازش باطل است و باید آن را قضا کند. اما کسی که ندانسته با لباس نجس نماز خواند نمازش صحیح است. بعد می‌فرمودند شخص اول که نمازش باطل است به خاطر اهمیّت ندادن به نماز است؛ درحالی که اگر اهل اهمیت بود قبل از نماز لباسش را عوض می‌کرد. بنابراین جاهل به موضوع معذور است اما ناسی معذور نیست."

در روابط زوجین نیز اگر هر دو به قولی که می‌دهند عمل کنند بسیاری از مشکلات از بین می‌رود. زیرا وفای به عهد موجب اعتماد شده و اعتماد علاقه و محبت بین آن‌ها را زیاد می‌کند. این نکته در رفاقت نیز به همین شکل مؤثر است.

استنادات روایی

۱- وفا و الفت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «سَبَبُ الْإِيْتِلافِ الْوَفَاءِ»^{۱۳}؛ «سبب الفت گرفتن با دیگران وفا است». پس کسی که خواهان الفت با دیگران است باید به قول و عهد خودش پایبند باشد. در این رابطه مغازه داران عزیز باید بیشتر دقت کنند که اگر قولی را به مشتری خود دادند به آن وفادار باشند. همین عمل محبت دیگران را به انسان جلب می کند.

کارمندان عزیز نیز مراقب باشند که اگر به کسی قولی دادند آن را انجام دهند. به خصوص اگر به کسی قولی دادید که فلان موقع کارت را انجام می دهد و در موعد مقرر آن کار را انجام ندادید، مدت زمانی را که این شخص برای انجام کارش قرار داده بود، اگر از کار خودش بیکار شده و از نظر مالی هم متضرر شده است تمام آن را شرعاً ضامن هستید و باید از اموال شخصی خود به ارباب رجوع پرداخت کنید. چون شما موجب خسارت او شدید. راه بهتر برای این که ضامن کسی نشوید این است که تلفن افراد را بگیرید و در صورت انجام شدن کارشان به آن ها خبر دهید.

۲- وفا و امانت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «الْوَفَاءُ تَوْأَمُ الْأَمَانَةِ وَ زَيْنُ الْأَخْوَةِ»^{۱۴}؛ «وفا با امانت داری توأم، و زینت اخوت است». در این روایت به یکی از مصادیق وفاداری که امانت داری است اشاره شده است و می فرماید انسان وفادار امانت را به صاحبش رد می کند.

۳- وفا و معیار انتخاب

در روایت دیگری می فرماید: «مَنْ أَحْسَنَ الْوَفَاءَ اسْتَحَقَّ الْإِصْطِفَاءَ»^{۱۵}؛ «کسی که وفاداریش را خوب انجام می دهد، شایسته برگزیده شدن است». بنابراین روایت یکی از ملاک های برگزیدن و انتخاب افراد در جایگاه های مختلف مثل ازدواج و یا انتخاب رفیق می تواند خوب وفاداری کردن باشد.

۴- وفا و چابلوسی

در جای دیگری نیز می فرماید: «لَا تَعْتَمِدْ عَلَى مَوْدَّةٍ مَنْ لَا يُوفِي بِعَهْدِهِ»^{۱۶}؛ «بر اظهار علاقه کسی که وفای به عهد نمی کند، اعتماد نکنید». یعنی اگر کسی به زبان اظهار علاقه کرد اما در عمل خلاف آن را انجام داد، به مودت او اعتماد نکنید.

۵- بی وفاترین فرد

وفا در دو دسته از انسان ها کمتر از دیگران است؛ یکی پادشاهان و دیگری کسانی که در زندگی بسیار مزاح می کنند. می فرماید: «أَقَلُّ النَّاسِ وَفَاءً الْمُلُوكُ»^{۱۷} (پادشاهان کمترین وفاداری را دارند).

^{۱۳} . غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۹۵.

^{۱۴} . غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۰۱.

^{۱۵} . تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۲.

^{۱۶} . غررالحکم و دررالکلم، ص ۷۴۸.

^{۱۷} . بحار الأنوار، بیروت، ج ۷۲، ص ۳۴۰.

پادشاهان به خاطر حفظ ملک و ریاست خود، همیشه منفعت‌سنجی کرده و به همین دلیل حاضر است هم وعده دروغ به دیگران بدهد، و هم قرارهایی را که در گذشته با دیگران گذاشته به خاطر منافعتش نقض کند. انسان‌های اهل مزاح نیز که بیش اندازه شوخی می‌کنند بی‌وفا هستند؛ چرا که وقتی از علت نقض عهد و پیمانشان سؤال می‌کنید می‌گویند آن قولی را که دادم شوخی بود.

«الحمد لله رب العالمین»